

سؤال:

آیا طفلی به نام حضرت علی اصغر علیه السلام در واقعه کربلا وجود داشته است؟

پاسخ:

در رابطه با طفل صغیر و شیر خواره امام حسین علیه السلام که در روز عاشورا به شهادت رسیده است

روایات مختلفی وجود دارد که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت:

۱. طفل صغیر

۲. عبد الله رضیع

۳. علی اصغر

طفل صغیر:

در این گزارش‌ها از به شهادت رسیدن طفل صغیری از امام حسین علیه السلام یاد شده است؛ اما اسم

این طفل بیان نشده است.

۱. ابو مخنف به نقل از امام باقر علیه السلام آورده است:

أتی الحسین بصبي له فهو في حجره إذ رماه أحدكم يا بني أسد بسهم فذبحه فتلقى الحسين دمه فلما

ملاء كفيه صبه في الأرض...

مقتل الحسين (ع) - أبو مخنف الأزدي - ص ۱۷۳

کودکی را نزد حسین علیه السلام آوردند، در حالی که این طفل در بغل ایشان بود، یکی از شما ای بنی

اسد، تیری رها کرد که گوی او را درید، حسین علیه السلام خون او را گرفت و چون کف دستش پر شد آن را به

زمین ریخت...

۲. سید بن طاووس در روایت دیگری نقل می‌کند:

وقال لزينب ناوليني ولدى الصغير حتى أودعه فأخذه وأوماً إليه ليقبله فرماه حرمة بن الكاهل الأسدي بسهم فوقع في نحره فذبحه...

اللهوف في قتلى الطفوف - السيد ابن طاووس - ص ٦٩

امام حسين عليه السلام به در خيمه آمد و به حضرت زينب سلام الله عليها فرمود: فرزند كوچك مرا بده تا با او وداع كنم، طفل را روى دست گرفت و خواست او را ببوسد كه ناگاه حرمة بن كاهل اسدى لعنة الله عليه او را هدف تير قرار داد، آن تير در حلق كودك جا گرفت و به شهادت رسيد...

٣. ابن جوزى در گزارشى مى گويد:

فالتفت الحسين فإذا بطفل له يتلظى عطشاً فأخذه على يده وقال يا قوم إن لم ترحموني فارحموا هذا الطفل فرماه رجل منهم بسهم فذبحه فجعل الحسين يبكي ويقول اللهم بيننا وبين قوم دعونا لينصرونا فقتلونا فنودي من الهوى يا حسين دعه فإن له مرضعاً في الجنة ورماه حصين بن تميم بسهم فوقع في شفته فجعل الدم يسيل من شفته وهو يبكي ويقول اللهم إني أشكو إليك ما يفعل بي ويأخوتي وولدي وأهلي...

تذكرة الخواص لسبط ابن الجوزي ص ٥٢٩

امام حسين عليه السلام متوجه كودكى شد كه از تشنگى مى گريست، حضرت او را روى دست بلند كرد و فرمود: اى قوم، اگر بر من رحم نمى كنيد، بر اين طفل رحم كنيد؛ پس مردى از لشكر عمر سعد تيرى به سوى اين كودك انداخت و او را كشت؛ پس امام حسين عليه السلام گريه كرد و گفت: خدايا، بين ما و قومى كه ما را دعوت كردند تا يارى مان كنند؛ اما ما را كشتند، حكم كن، آن گاه ندايى از آسمان بلند شد كه اى حسين، او را رها كن؛ چرا كه براى او شيردهنده اى در بهشت است...

٤. ابو مخنف در مقتل خود چنين نقل مى كند:

ثم أقبل الحسين إلى ام كلثوم وقال لها يا أختاه أوصيك بولدى الأصغر خيراً فإنه طفل صغير وله من العمر ستة أشهر فقالت له يا أختي إن هذا الطفل له ثلاثة أيام ما شرب الماء فاطلب له شربة من الماء فأخذ

الطفل وتوجه نحو القوم وقال يا قوم قد قتلتم أخی وأولادی وأنصاری وما بقى غير هذا الطفل وهو يتلظى عطشا فاسقوه شربة من الماء فبينما هو يخاطبهم إذ أتاه سهم مشوم من ظالم غشوم فذبح الطفل من الأذن إلى الأذن وقيل إن السهم رماه قديمة العامرى فجعل الحسين يتلقى الدم بكفيه ويرمى به إلى السماء ويقول اللهم إني أشهدك على هؤلاء القوم فإنهم نذروا ألا يتركوا أحدا من ذرية نبيك ثم رجع بالطفل مذبوحا ودمه يجرى على صدره فألقاه إلى ام كلثوم فوضعه فى الخيمة وبكى عليه

مقتل الحسين (ع) - أبو مخنف الأزدي - ص ۱۲۹ و ۱۳۰

امام حسين عليه السلام به سوى ام كلثوم رفت و به او فرمود تو را به فرزند ۶ ماهه ام سفارش می‌کنم که با او به نیکی رفتار شود، ام كلثوم عرض کرد: ای برادر، این طفل ۳ روز است آب نخورده؛ قدری آب برای او بخواه، امام عليه السلام بچه را گرفت و به طرف دشمن حرکت کرد و فرمود: ای قوم، برادر و فرزندان و یارانم را کشتید و تنها این طفل باقی مانده است و او از تشنگی لب‌های خشکش را به هم می‌زند، به او قدری آب بدهید؛ در میان سخنان آن حضرت، تیری شوم به دست ستمگری به گلوی بچه اصابت کرد و گردن او را از گوش تا گوش برید، گفته شده است که قدیمه عامری آن تیر را پرتاب کرد، امام حسین عليه السلام خون‌ها را در دستانش می‌گرفت و به سمت آسمان می‌پاشید و می‌فرمود پروردگارا، شاهد باش آنان نذر کرده‌اند که هیچ کدام از ذریه پیامبرت را باقی نگذارند؛ سپس طفل سربریده را برگرداند؛ در حالی که خون او بر سینه‌اش جاری بود، او را نزد ام كلثوم آورد و در خیمه گذاشت و بر او گریست.

مَقْتَلُ الْحُسَيْنِ
وَمَضِيحُ أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَصْحَابِهِ فِي كَرْبَلَاءَ

المشهور
مَقْتَلُ ابْنِ مُحَمَّدٍ

الشيخ
العلامة



فقلت له : يا ابي ان هذا الطفل له ثلاثة ايام
ما شرب الماء فاطلب له شربة من الماء .

فانزل الطفل وتزجه نحو القوم وقال يا قوم قد
قتلت ابي واولادي وانصاري وما ينفي غير هذا
الكلمة وهو يتلقى عطشاً فاسفوه شربة من الماء .

فبينما هو يتناطحهم اذ اتاه سهم مشوم من طائر
عشوم فذبح الطفل من الأذن الى الأذن وقيل ان
السهم رماه قديمة العامري .
فجعل الحسين (عليه السلام) يتلقى الدم بكتفه
ويروي به الى السماء ويقول اللهم اني اشهدك على
هؤلاء القوم فانهم نذروا ان لا يتركوا شيئاً من ذرية
شيء .

ثم رجع بالطفل مذبولاً ودعه يجري على صدره
فالتذاه الى ام كلثوم فوضعه في الحيمة ولكن عليه
وانشأ يقول :

يا رب لا تستر كسفي وحسبياً
قد اكدتوا العصبان والجحدوا
قد صبرونا بيمين عسبياً

١٣٠

ورسوله ومهلت عيناه بالدموع حزناً لصابه .

قال عمارة بن سلمان عن حميد بن مسلم كان
انظر الى امرأة قد خرجت من فسطاط الحسين (عليه
السلام) وهي تنادي واولداه والقبائل والقلة ناصرته
وافريدها وانهجته فلباه ليني كنت قبل هذا اليوم عمياء
ليني وسدت الثرى .

فوثب اليها الحسين (عليه السلام) فودعا الى
الحيمة فسالت عنها فقبل في حمله زينب بنت امير
المؤمنين (عليها السلام) ثم بكى الحسين (عليه
السلام) رحة ليكتفها وقال :

انا لله وانا اليه راجعون .

قال : ثم ان الحسين (عليه السلام) يوضع ولده
في حجره وقال : يا ولدي اما انت فقد استرحت من
هم الدنيا وطمأنت ووسرت الى روح وراحة وبقي ابرك
وما اسرع لحوقه بك ثم قبل الى ام كلثوم وقال لها :

يا اختاه اوصيك بولدي الاصر خيراً فانه طفل صغير
وله من العمر ستة اشهر .

١٣١

حضرت عبد الله رضيع عليه السلام:

اين روايات شهادت طفلی به نام عبد الله را گزارش می دهد:

١. شيخ مفيد چنين گزارش می کند:

ثم جلس الحسين عليه السلام امام الفسطاط فأتى بابنه عبد الله ابن الحسين وهو طفل فأجلسه في حجره

فرماه رجل من بني أسد بسهم فذبحه

الإرشاد - الشيخ المفيد - ج ۲ ص ۱۰۸

امام حسین علیه السلام جلوی خیمه نشست، فرزندش عبد الله را برای او آوردند و او کودکی بود، حضرت او را روی پاهای خود نشانده، در این هنگام مردی از بنی اسد او را هدف تیر قرار داد و او را ذبح کرد.

۲. ابن نما حلی نقل می‌کند:

ثم تقدم إلى باب الفسطاط ودعا بابنه عبد الله فجئ به ليودعه فرماه رجل من بني أسد سهم فوقه في نحره

فذبحه

مثير الأحزان - ابن نما الحلي - ص ۵۲ و ۵۳

امام حسین علیه السلام به در خیمه آمد و فرزندش عبد الله را خواست تا با او وداع کند، او را آوردند، مردی از بنی اسد او را هدف تیر قرار داد و تیر در حلق این کودک نشست و او را ذبح کرد.

۳. قندوزی از علمای اهل سنت چنین نقل می‌کند:

قالت أم كلثوم يا أخي إن ولدك عبد الله ما ذاق الماء منذ ثلاثة أيام فاطلب له من القوم شربة تسقيه فأخذه ومضى به إلى القوم وقال يا قوم لقد قتلتم أصحابي وبني عمي وإخوتي وولدي وقد بقي هذا الطفل وهو ابن ستة أشهر يشتهي من الظمأ فاسقوه شربة من الماء فبينما هو يخاطبهم إذ أتاه سهم فوقه في نحر الطفل فقتله

ينابيع المودة لذوي القربى - القندوزي - ج ۳ ص ۷۸

ام کلثوم به برادرش گفت: ای برادر، فرزندت عبد الله ۳ روز است که آب نخورده است، از این قوم برای او مقداری آب طلب کن، حضرت فرزندش را گرفت و به سپاه دشمن گفت: شما یاران و پسرعموها و برادران و فرزند من را کشتید و فقط این طفل باقی مانده است که ۶ ماه سن دارد و از تشنگی ناله می‌کند، مقداری آب به او بدهید، در همین حال که حضرت داشت صحبت می‌کرد، تیری آمد و در گلوی طفل قرار گرفت و او را به شهادت رساند.

۴. مرحوم مشهدی در زیارت حضرت علی اصغر صلوات الله علیه آورده است:

السلام علی عبد الله بن الحسين الطفل الرضيع والمرمي الصریع المتشطح دما المصعد دمه فی السماء

المذبوح بالسهم فی حجر أبيه لعن الله رامیه حرمله بن کاهل الأسدي وذویه

المزار - محمد بن جعفر المشهدی - ص ۴۸۸

سلام بر عبدالله بن الحسین، کودک شیرخواره تیر خورده ضربت خورده به خون تیپده که خونش به

آسمان، پرتاب شد و در دامان پدرش، با تیر، سر بُریده شد خدا لعنت کند حَرَمَلَه بن کاهل اسدی و همراهانش

را که به او تیر زدند.

۵. مرحوم محمد تقی مجلسی آورده است:

صغیر که شهید شد عبد الله نام داشت و اکثر علما چنین ذکر کرده‌اند از شیخ مفید تا شیخ شهید و آنچه

مشهور است بنابر روضة الشهداء است و او نیز ذکر کرده است که بعضی گفته‌اند که صغیر عبد الله نام داشت.

لواعص صاحبقرانی (شرح الفقیه) (فارسی) - محمد تقی المجلسی (الأول) - ج ۷ ص ۲۲۴

۶. سید محسن امین می‌نویسد:

«فتقدم إلى باب الخیمة وقال لزینب ناولینی ولدی الصغیر حتی أودعه فأتی بابه عبد الله وأمه الرباب بنت

امری القیس فأخذ واجلسه فی حجره وأوماً إليه ليقبله فرماه حرمله بن کاهل الأسدي بسهم فوقع فی نحره فذبجه

فقال لزینب خذیه ثم تلقی الدم بکفیه فلما امتلأتا رمی بالدم نحو السماء ثم قال هون علی ما نزل به انه بعین الله

العاملی، السید محسن الأمین (متوفای ۱۳۷۱ق_ لواعج الأشجان، ص ۱۸۱، ناشر: منشورات مکتبة بصیرتی

- قم، چاپخانه: مطبعة العرفان - صیدا

امام حسین علیه السلام به در خیمه آمد و برای حضرت زینب سلام الله علیها فرمود: فرزند کوچکم را بیار

تا خدا حافظی کنم. فرزندش عبد الله را که مادرش رباب بود آورد، حضرت او را گرفت و در بغلش نشاند و خم

شد تا او را بوسه زند، در این هنگام حرمله بن کاهل اسدی تیری انداخت که بر گلویش نشست و گلویش را درید.

برای زینب فرمود: بگير اين پسر را سپس خودش خون او را با دو كف دستش گرفت وقتي پر شد به سوي آسمان پرتاپ کرد و فرمود: آنچه که این مصیبت را برای من آسان می‌کند این است که در محضر خداوند واقع شده است.

حضرت علی اصغر علیه السلام:

این گزارشات، خبر از شهادت طفل صغیری به نام علی اصغر علیه السلام دارد:

۱. ابن اعثم کوفی در گزارشی چنین نقل می‌کند:

وله ابن آخر يقال له علي في الرضاع فتقدم إلى باب الخيمة فقال ناولوني ذلك الطفل حتى أودعه فناولوه الصبي فجعل يقبله وهو يقول يا بني ويل لهؤلاء القوم إذ كان غدا خصمهم جدك محمد صلى الله عليه وآله وسلم قال وإذا بسهم قد أقبل حتى وقع في لبة الصبي قتله...

الكوفي، أحمد بن أعثم - متوفى ۳۱۴ ق.، كتاب الفتوح، ج ۵ ص ۱۱۵، تحقيق: علي شيري (ماجستير في

التاريخ الإسلامي)، ناشر: دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱هـ.

امام حسین علیه السلام پسر دیگری داشت که نامش علی بود و شیرخوار بود، حضرت کنار در خیمه آمد و فرمود: آن طفل را برای من بیاورید تا با او وداع کنم، بچه را آوردند و حضرت او را می‌بوسید و می‌فرمود: ای فرزندم، وای بر این قوم در فردای قیامت که جدت پیامبر صلی الله علیه و اله دشمن آنها خواهد بود، در همین هنگام تیری آمد و در گلوی بچه نشست و او را به شهادت رساند....

۲. خوارزمی یکی دیگر از علمای اهل سنت، تصریح می‌کند که نام این کودک، علی بوده است:

ناولونی علیا الطفل حتى أودعه فناولوه الصبي فجعل يقبله ويقول ويل لهؤلاء القوم إذا كان خصمهم جدك وبيننا الصبي في حجره إذ رماه حرملة بن الكاهل الأسدي فذبحه في حجر الحسين عليه السلام فتلقى الحسين دمه حتى امتلأت كفه ثم رمى به نحو السماء وقال ألهم إن حبست عنا النصر فاجعل ذلك لما هو خير لنا ثم نزل الحسين عليه السلام عن فرسه وحفر للصبي بجفن سيفه ورملة بدمه وصلى عليه

الخوارزمي، الموفق بن احمد_متوفاي ۵۶۸ ق_ مقتل الحسين عليه السلام، ج ۲، ص ۳۷، تحقيق: الشيخ

محمد السماوي، انوار الهدى،

امام فرمود: علي را بياوريد تا با او خدا حافظي كنم. آن را كودك را به ايشان دادند، حضرت او را مي بوسيد و مي فرمود: واي بر گروهی كه دشمن آنها جد توست. هنگامی كه این كودك در آغوش امام بود، حرمله بن كاهل اسدي با رها كردن تیر او را در آغوش امام ذبح كرد. حسين عليه السلام خونس را جمع كرد تا كف دستش پر شد آنگاه به سوي آسمان پرتاب نمود و فرمود: خدایا اگر یاری [ظاهری] را از جانب آسمان از ما گرفتی، پس در عوض، بهتر از آن را برای ما قرار بده. آنگاه حسين عليه السلام از اسبش پیاده شد و با غلاف شمشیرش برای او قبري آماده ساخت و او را با خونس دفن كرد و بر او نماز خواند.

نتیجه:

از این روایات چیزی كه مسلم و قطعی است این است كه حداقل يك طفل صغير رضیع در كربلا وجود داشته است و در این جریان به شهادت رسیده است.

برخی گفته اند كه حضرت عبد الله رضیع و حضرت علی اصغر علیهما السلام يك نفر هستند؛ چون در روایت آمده است كه امام حسين عليه السلام اسم همه فرزندان را علی گذاشت:

لو ولد لي مائة لأحببت أن لا اسمي أحدا منهم إلا عليا

الكافي - الشيخ الكليني - ج ۶ ص ۱۹

اگر برای من ۱۰۰ فرزند پسر به دنیا بیاید، دوست دارم كه اسم تمامی آنها را علی بگذارم.

از این روایت این نتیجه گرفته می شود كه عبد الله كه در گزارشات آمده است اشتباه است و اسم فرزند حضرت علی است.

برخی دیگر گفته اند كه در كربلا ۲ طفل رضیع به شهادت رسیده است، یکی حضرت عبد الله رضیع عليه السلام و دیگری حضرت علی اصغر عليه السلام.

محمد بن جریر طبری نیز در ذکر فرزندان امام حسین علیه السلام آورده است:

ذکر ولده علیه السلام علی الأكبر قتل معه وعلی الإمام زین العابدین وعلی الأصغر و محمد و عبد الله الشہید

دلائل الامامة - محمد بن جریر الطبري (الشيعي) - ص ۱۸۱

فرزندان امام حسین علیه السلام عبارتند از: علی اکبر که همراه او شهید شد، امام زین العابدین و علی

اصغر و محمد و عبد الله شهید.

از دیگر شواهدی که می‌توان برای ۲ نفر بودن این حضرات بیان کرد این است که ۲ سن مختلف برای

این عزیزان نقل شده است، همان طوری که گذشت، ابو مخنف در مقتل خود نقل می‌کند که این طفل ۶ ماهه بوده

است:

ثم أقبل الحسين إلى ام كلثوم وقال لها يا أختاه أوصيك بولدى الأصغر خيرا فإنه طفل صغير وله من

العمر ستة أشهر

مقتل الحسين (ع) - أبو مخنف الأزدي - ص ۱۲۹ و ۱۳۰

امام حسین علیه السلام به سوی ام کلثوم رفت و به او فرمود تو را به فرزند ۶ ماهه ام سفارش می‌کنم

که با او به نیکی رفتار شود.

از طرف دیگر یعقوبی در تاریخ خود نقل می‌کند که این طفل در روز عاشورا به دنیا آمده است:

فإنه لواقف على فرسه إذ أتى بمولود قد ولد له في تلك الساعة فأذن في أذنه وجعل يحنكه إذ أتاه سهم

فوقع في حلق الصبي فذبحه فنزع الحسين السهم من حلقه وجعل يلطخه بدمه

أحمد بن أبي يعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح اليعقوبي، تاريخ اليعقوبي ج ۲ ص ۲۴۵ الوفاة: ۲۹۲ ،

دار النشر : دار صادر - بيروت

امام حسین علیه السلام بالای اسبش قرار داشت که فرزندش را که در همان ساعت به دنیا آمده بود نزد

حضرت آوردند، در گوش‌هایش اذان گفت و کامش را برداشت. در همان وقت تیری آمد به گلوی این کودک

نشست و حلقش را درید. امام حسین علیه السلام تیر را از گلویش بیرون آورد در حالی که او به خون خود آغشته شده بود.

این که ۲ اسم وجود دارد و ۲ نحوه شهادت در منابع نقل شده است و این که ۲ سن مختلف برای این دو عزیز نقل شده است، همه این‌ها می‌توان دلیل بر این قرار داد که ۲ شخصیت متفاوت هستند که در کربلاء شهید شدند.

* البته بیان این نکته ضروری است که این تحقیق با توجه به منابعی که در نرم افزارهای اسلامی است صورت گرفته است و منابعی که در نرم افزار نیست و منابع خطی مورد تحقیق قرار نگرفته است.

موفق و مؤید باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر

عجل الله تعالی فرجه الشریف